

تاریخچه از نفوذ سابق اجانب در ایران

تصاحب نامشروع ایران

مقصود از شرح ذیل ارائه سیاست اقتصادی اجانب در ایران است که بهترین نمونه سیاست اروپائیان در ممالک مستقل مشرق میباشد. تاریخچه ذیل نشان میدهد که دول امپریالیستی اروپا چگونه مقاصد خود را در لفافه و پرده حفظ سرمایه و منافع شرکتها و مؤسسه های خود اجرا نموده بعنوان فوق الذکر در مشرق زمین مداخلات سیاسی و نظامی میکردند. مؤسسات امپریالیستی در شرق فقط با تقویت سرمایه قابل دوام است.

سیاست امپریالیستی روس در ایران شکست قطعی و سیاست انگلستان نیز متزلزل و شکست های فاحشی خورد. امپریالیست اروپا از نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی شروع بمداخله در امور ایران کرده ما نیز تاریخچه آنها از همان موقع یعنی از تاریخ اولین امتیاز که در ایران گرفته شده شروع می نمایم.

روسیه بموجب معاهده ترکمن چای (۱۸۲۸ میلادی) در ایران دارای حقوق سیاسی و تجاری زیادی گردید (معاهده مزبور سلطنت ایران را در سلسله قاجاریه تضمین میکرد) ولی تا سالهای هشتادم قرن ۱۹ هیچگونه علاقه به استفاده از مزایا و حقوق و تثبیت نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در ایران ابراز نمیداشت. هیئت سیاسی روس و قسولهای آن در ایران از خود فعالیتی بروز نمیدادند. در سالهای هشتادم قرن مذکور چون دولت ایران شروع به اصلاحات و استقرار ارتباط با ممالک غربی کرد (مسافرتهاى ناصرالدین شاه به

اروپا) سیاست روس از نقطه توقف خود بحرکت آمده و روسیه
 عهده داز اصلاح قشون ایران شده قسمتهای قزاق ایران (سال
 ۱۸۷۹) را بفرماندهی صاحبمنصبان روس تأسیس کرد . صاحبمنصبان
 روس قزاقان ایرانی با سفارت و وزارت جنگ روس بیشتر مربوط بودند
 تا با دولت ایران . صاحبمنصبان ایرانی حتی امرای آنها (سرتیپ ها
 و امیر پنجه ها و امیر توماها وغیره) از پست ترین معلم و مستشار
 روسی کوچکتر محسوب میگردیدند .

بودجه قزاقخانه را (۹۰۰۰۰۰ رومان) فرمانده لشکر (رئیس
 دیویز بون) مستقیماً از بانک استقراضی روس به حساب عواید گمرکات
 ایران در یافت می نمود و حساب آنها بدوات ایران تحویل نمیکرد .
 قزاقها چنانچه لیتن Litten (تا ۱۹۱۴ در تبریز قنصل آلمان بوده
 در بدو جنگ از ایران خارج شد) در کتاب خود عادلانه نوشته
 « قشون درباری و سلام » را تشکیل میدادند . در تهران مدرسه کادت
 روس دایر بود ولی مجموع اینها برای مملکت ایران نه کادر صاحبمنصب
 و نه وکیل و نه نظامیان جنگی تربیت و تهیه میکرد در صورتیکه ایران
 را تسلیم روسیه ساخته بود .

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منش و خصائل قسمتهای قزاق بر کار کنان روس در
 ایران مخفی و پوشیده نبود بطوریکه در ۱۹۱۱ وقتی معلمین و
 مستشاران سوئدی برای تأسیس ژاندارمری ایران دعوت و جلب
 گردیدند سفیر روس صریحاً به پترو گراد نوشت که بحالیه
 افلاً معلوم می شود که ایرانی قابلیت و استعداد خدمت نظامی
 را دارد یا خیر . قابلیت ایرانی در مدت نسی سال موجودیت قسمتهای
 قزاق (از سال ۱۸۷۹) معلوم و سنجیده نشده بود . باید متذکر
 شد که عات عدم بروز قابلیت نظامی در قسمتهای قزاق علاوه بر

طرز تعلیم که و وضعیت محل تطبیق نمی‌کرد این بود که قزاق
ها را عوض آنکه از طوایف و ایلات استخدام کنند از شهرها
و دهاتی ها که روح سلحشور اجداد خود را مدتها است از دست
داده اند استخدام می نمودند و آنها نیز با حقوق کم به امید منافع
دیگر قبول خدمت می‌کردند و به این ترتیب منظور صاحب‌منصبان
روس که میخواستند هر قدر ممکن شود مخارج کمتر و وجه
موجود بیشتر داشته باشند کاملاً تأمین میشد. قسمتهای قزاق در
تهران و تبریز و رشت و همدان برقرار و هنگام جنگ بین‌المللی
شعب آن در اردبیل و ارومیه و اصفهان تشکیل گردید.

پس از انقلاب روسیه قسمتهای قزاق (نا ۱۹۲۰ بودجه خود
را بهمان مدرکی که از بانک استقراضی سابق روس می‌گرفتند
بحساب قروض ایران از بانک شاهنشاهی دریافت می‌کردند. در
۱۹۲۰ مستشاران روسی از خدمت و خاک ایران خارج شدند.
در اواخر قرن ۱۹ میلادی پتر بورک متوجه تمایک اقتصادی
ایران گردید. تمایک مزبور باید نفوذ سیاسی و نظامی روس را
در ایران محافظت می‌کرد. در ۱۸۹۰ میلادی یک نفر از علمای
اقتصاد روسی موسوم به پلیاکوف (Poliacof) شالوده بانک استقراضی
ایران ریخت تقریباً کلیه سهام بانک مذکور (غریب شش ملیون تومان)
در سال ۱۸۹۹ بدست وزارت مالیه روسیه افتاد. از این تاریخ بانک
استقراضی در حقیقت شعبه از بانک دولتی روس شناخته میشد ولی
ظاهر یک مؤسسه سهامی را حفظ کرده بود. قبل از جنگ
بین‌المللی شعب بانک مزبور در طهران و مشهد و تبریز و
نمایندگی آن در قزوین و همدان و اصفهان تا منطقه نفوذ
انگلیسها که بموجب قرارداد ۱۹۰۷ معین گشته بود دایر شد.

بعبارة اخرى بانك استقراضى نفوذ خود را در تمام منطقه نفوذ روس و منطقه بيطرف بر قرار کرده بود . اولين مدير شعبه تهران (شغل رياست بانك عليحده بود) گروبه (Groubè) داراى نفوذ بسيارى بوده به سفارت كمك هاى گرانبهاى کرده است . اقدامات مشار اليه يكبار ديگر اهميت فوق العاده نفوذ اقتصادى را در روابط سياسى ايران و كليه مشرق زمين ثابت نمود . بانك واسطه استقراض هاى دولت ايران (تا سى مليون تومان) شده عوايد گمركات شمال ايران را وثيقه قرار داد . استقراض هاى كوچك تا ۱۹۱۷ ادامه داشت . علاوه بر اين بانك بعمليات صرافى نيز مبادرت ميورزید بنحويكه تجارت روس با ايران قبل از جنگ ۶۲ در صد مجموع تجارت ايران (تقريباً ۶۰ مليون تومان صادره و وارده) را تشكيل ميداد . بانك استقراضى با شرايط موهومى كه از حدود عمليات يك مؤسسه خصوصى خارج بود به تجار ايرانى كه اجناس روس را خريدارى ميكردند اعتبار ميداد بطوريكه بر اثر رقابت تجار ايرانى خسارتهائى بيشمارى به خود بانك و تجار كوچك روس وارد آمد . مقصود اين عمليات آن بود كه بهر قيمتى شده بر ارقام تجارت روس و ايران افزوده گردد . قبل از جنگ كوزمىنسكى Couzminski مدير بانك طريقه منفعت برى تجار ايرانى را مسدود و اصلاً كمتر متوجه بعمليات صرافى كه منافع متصوره را نداشت گردیده بيشتر هم خود را مصروف اعتبار ارضى ساخت . اقدام مزبور نيز بواسطه فقدان قانون مخصوص در ايران فقط با فشار و نفوذ سياسى روس امكان پذير بود . بانك در اين معاملات هم خسارت هاى زيادى را متحمل گرديد زيرا وجه گزافى در مقابل گروهى زمينى ميداد و

پس از آنکه وجه استقراضی مسترد نمیشد اراضی و املاکی که بانک منتقل میشد منافع و برداشت مهم متصوره را نداشت. معاملات رهنی بانک نیز همیشه موفقیتی حاصل نمیکرد مثلاً شعبه رهنی تبریز که بواسطه تقویم گران اشیاء رهنی خسارت زیادی دیده بود بر چیده شد. این نکته را نیز باید یادداشت کرد که بانک با حفظ منافع خود در زمان جنگ بین المللی منافع را کمتر از قیمت به بازار خریدار می کرده مانع ترقی مظنه آن بود.

بانک در امور امتیاز گیری هم مداخلات زیادی کرده بشرکتهای امتیاز روسی (راه آهن تبریز مبلغ مهمی به بانک مقروض ماند) اعتبار زیادی میداد. رویهمرفته عملیات بانک استقراضی تا قبل از انقلاب روسیه بواسطه عدم اطلاع اعضاء و مدیران آن کسر عمل بسیار داشت زیرا نتوانستند امور اقتصادی را اداره کنند و پیرامون معاملاتی میگشتند که احتمال ضرر و خسارت آن بیشتر بود (مثل آسیاهای بخار و چراغ برغ تبریز) در صورتیکه بانک را طور دیگری را اداره میکردند میتوانست با مقتضیات آن زمان مساعدتهای سیاسی بزرگتری کرده از نقطه نظر تجارتنی هم همان منافی را ببرد که بانک شاهنشاهی میبرد و با بانک مزبور نیز کاملاً رقابت کند.

توسعه روابط تجارتنی و ازدیاد و فزونی املاک اتباع روس (تانارهای قفقاز) در ولایات سرحدی و کوشش وسیعی مالک الرقابسی و بر طرف ساختن رقابت انگلیس ها و آلمان ها در شمال ایران حکومت تزاری را بر آن داشت که از مزایای معاهده ترکمانچای استفاده کرده با مساعی و شرکت نمایندگی مختار وزارت عمالیه خود بوسیله انعقاد معاهده تجارتنی جدیدی نفوذ خود را در ایران توسعه دهد.

علاوه بر آن دولت ایران متعهد شد هیچگونه باج راهی اخذ نماید (مگر در راه‌هایی که مصنوعاً ساخته شده مثل طرق شوسه و غیره آنهم در حدود باج راهی که در جاده شوسه پهلوی تهران اخذ میشد) . مذاکرات مربوطه در اطراف این معاهده کاملاً محرمانه انجام گرفت . آنزمان عصر مبارزه سیاسی و اقتصادی روس و انگلیس بود . معاهده مزبور مزیت و تفوق مهمی به تجارت روس داده صحت عملیاتی گمرکی را بیش از پیش تأمین کرده (الغای اجاره دادن گمرک و غیره) باعث شد که تجارت روس و ایران در مدت ده سال بعد از انعقاد معاهده مذکور سه برابر گردد .

در عصر جنگ بین‌المللی سرمایه داران روس مخصوصاً دولت روسیه خیلی بروابط تجارتهای ایران علاقمند شده بیش از چهل میلیون منات (۲۰ میلیون تومان) سرمایه شخصی و متجاوز از ۱۲۰ میلیون منات (۶۰ میلیون تومان) سرمایه روس در ایران بکار افتاد . مخارج يك سپاه قشون روس مرکب از ۱۷۰۰۰۰ (هفده هزار) نفر که ایران را اشغال کرده بود و مخارج محرمانه دیگر را نیز در زمان جنگ بین‌المللی باید بر آن افزود .

نقل از شماره ۲ مجله شرق جدید منطبعه مسکو ۱۹۲۲

دل من

عاقبت خانه پنجسائه عشقی که نا محرمی را در آن جاداده بودم ویران کردم . دریغ ! چه بنای محکمی بود یکی یکی خشتهای آنرا از پاره های تن خود کننده با آب دیده گل آنرا سرشته و بطول بیداریهای شبان دراز روی هم نهاده و آنگاه این بنای استوار را تقدیم و وجودی بی مهر و بی حقیقت کرده